

مکاشفہ 4





آن فرشته در روح مرا به بیابان برد.



بیا تا
مجازات آن فاحشه‌ی
بزرگ را که در کنار
رودخانه‌های بسیار
می‌نشیدند، به تو نشان
دهم.

با او پادشاهان زمین زنا کرده‌اند،
و ساکنین زمین از شراب زناکاری او
مست شده‌اند. [۲]

در آنجا زنی را دیدم که بر روی حیوان وحشی قرمز رنگی نشسته بود. آن حیوان
وحشی با نام‌های کفرآکیز پوشیده شده بود و هفت سر و ده شاخ داشت.

لباس‌های آن زن به رنگ‌های بنفش و قرمز بود،
و با طلا، جواهرات و مرواریدها تزئین شده بود.

او جامی طلایی در دست داشت که از فحور
و کثافات زنای او پر شده بود. [۳]

این اسم بر پیشانی او نوشته شده بود...

رازنرگ
بابل بزرگ
مادر فاحشه‌ها و تمام کثافات
بر روی زمین.



[۱] برای فاحشه‌های روم این باعث جذب مشتری بود
که نام خود را بر پیشانی بندشان داشته باشند.

[۲] همانطور که فاحشه‌ها برای فریفته ساختن
قربانی خود، با لباس و جواهرات خود را می‌آرایند،
به همان شکل این مذهب دروغین هم خودش را زینت
می‌دهد تا ملت‌ها را در دام خود بیندازد.

[۳] او مادر فاحشه‌هاست زیرا همه‌ی
مذهب‌های دروغین از بابل آغاز شده است.

مذاهب دروغین افراد زیادی را کشته است و این
مذهب دروغین آخر، از همه‌ی آن‌ها بدتر خواهد بود.

او با خون مقترسین مست بود... [۴]

وقتی او را
دیدم، مات و مبهوت
گشتم.

پرا تو
متمیز گشته‌ای؟ من راز آن
زن و میوان و مشی هفت سزرا
را که بر آن سوار است، برایت
توضیح می‌دهم.

میوان و مشی‌ای که می‌بینی
زمانی بود، اکنون نیست؛ ولی
از چاه بی‌انتها بیرون می‌آید و به
سوی نابودی فواید رفت.

آن دسته از مردم
زمین که نامشان در دفتر
میات ثبت نشده است، وقتی
آن میوان و مشی را ببینند،
متمیز خواهند گشت.

[۱] آن حیوان وحشی (ضد مسیح) کاملاً سیستم این مذهب
دروغین (فاحشه) را حمایت می‌کند. این واژه «حیوان وحشی» هم
اشاره به یک پادشاه و هم اشاره به یک حکومت دارد.

[۲] منظور از عبارت «بود، اکنون نیست، و خواهد
آمد» این است که ضد مسیح پس از «قیامش» تحت تسلط
حیوانی وحشی قدرتمند از چاه بی‌انتها قرار می‌گیرد.

این به حکمت و
فهم نیاز دارد: آن هفت سر، هفت تپه‌ای
است که زن بر آن‌ها می‌نشیند و همچنین هفت پادشاه
است، که پنج نفر از آن‌ها از سلطنت برکنار شده‌اند و یکی
هم‌الکون فرمانروایی می‌کند و آن هفتمی هنوز نیامده و
هر وقت بیاید فقط مدت کوتاهی دوام خواهد
آورد. [۱]

اما حیوان وحشی که زمانی زنده
بود و دیگر نیست، او پادشاه هشتم است
ولی به آن هفت نفر تعلق دارد، و به
سوی هلاکت می‌رود. [۲]

[۱] آن هفت سر که هفت تپه می‌باشند، هفت
امپراتوری بزرگ جهان را نشان می‌دهند: امپراتوری مصر،
آشور، بابل، پارس، یونان، روم و فرمانروایی ضد مسیح.

آن حیوان وحشی هم پادشاه هفتم و هم پادشاه
هشتم است، و این به دلیل مرگ فرضی و قیام اوست.



ده شاخ، ده
پارشاهی [۱] هستند که هنوز به
پادشاهی نرسیدند ولی به مرتزک یک
ساعت [۲] به همراه آن حیوان وحشی
سلطنت می‌کنند.

آن‌ها بر علیه بزه چنگ خواهند
کرد، اما بزه بر آن‌ها پیروز خواهد
شد زیرا او ربّ الارباب و شاه
شاهان است.



حال که ما
قدرتمندتر شده‌ایم دیگر نیازی
به این سیستم مذهبی نداریم.

او را
نابود کنید.



آن دیو و ده شاخ از آن فاحشه منتظر خواهند شد
و او را هلاک خواهند کرد... [۳]

- [۱] امپراتوری ضدّ مسیح به ده ناحیه تقسیم خواهد شد که توسط آن ده رهبر اداره می‌شوند.
- [۲] کتاب مقدّس می‌فرماید که دوران آن‌ها بسیار کوتاه است. یک ساعت نشان‌دهنده سه سال و نیم است که آن‌ها با ضد مسیح سلطنت می‌کنند.
- اما آن‌ها پس اینکه به سلطنت رسیدند، سیستم مذهبی دروغینی را که به آن‌ها در جهت کسب قدرت کمک کرده بود، نابود خواهند کرد.

سپس فرشته‌ای دیگر در دیدم که از آسمان به پایین می‌آمد. زمین از شکوه و جلال او روشن گردید و او قدرت عظیمی داشت. [۱]

بابل
بزرگ سقوط کرده
است!

او خانه‌ای برای
دیوها و شکاری برای هر
(روح شریر گشته است).

همه
ملت‌ها از
شراب زناکاری او
نوشیده‌اند. [۲]

شاهان زمین با او
زنا کرده‌اند و بازرگانان
جهان از زیادی عیاشی او
توانگر شده‌اند. [۳]

[۱] پس از پنجمین فرشته که جهان را در تاریکی فرو برد، نور این فرشته توجه جهانیان را جلب می‌کند.

[۲] بابل مذهبی ملت‌ها را فریب می‌دهد و آن‌ها را در تاریکی روحانی و خدایان دروغین می‌افکند.

[۳] بابل که شهری بازرگانی است، مردم و ملل بی‌ایمان را با ماذه‌پرستی گمراه می‌سازد.

[۴] ولی خود خدا سیستم دروغین بابل را قضاوت می‌کند.

همانطور که بابل در قدیم به خاطر مجازات خدا سقوط کرد، بابل جدید هم روزی سقوط خواهد کرد.

آنگاه ندایی
دیگر در آسمان بود که
می گفت...

ای قوم من از او
بیرون بیایید، تادو
برابر آنچه انجام داده
به او بازگردانید.
در بلایایش سهم نباشید.
گناهان او به فلک سر
کشیده و خدا جرم های او
را به یاد دارد.

پیاله ای دو برابر غلیظ تر
از پیاله ی خودش به او
بدهید. [۴]

به این جهت تمام بلایا یعنی
مرگ، غم و قحطی در یک روز
به او روی می آورند. [۵]

او در آتش نابود خواهد
شد زیرا خداوند که او را
داوری می کند، قادر است.

وقتی شاهان زمین و بازرگانان این‌ها را ببینند،
گریه و سوگواری خواهند کرد.

آه!
آه ای شهر بزرگ، ای بابل
پر قدرت، زیرا تو در یک ساعت
به کیفر خود رسیدی!

آه،
آه ای شهر بزرگ، شهری که در
آن همه‌ی کسانی که بر دریاها کشتی
دارند به ثروت رسیدند! زیرا در یک
ساعت او ویران گشت.

[۱] با سقوط بابل، زندگی و روزمرگی به طور کامل و
همیشگی قطع خواهد شد. دیگر هیچ نوع موسیقی، صنعت،
گردآوری غذا، برق و حتی عروسی نخواهد بود.

[۲] نظام این مذهب دروغین که با تجارت و سیاست تلفیق شده، جنایت‌های
وحشتناکی بر علیه قوم خدا مرتکب شده است. خدای قادر مطلق برای آماده سازی بازگشت
پادشاه راستین، عیسی مسیح، این مذهب و تجارت و سیاست را تماماً دآوری خواهد کرد.



به همین صورت
شهر بزرگ بابل هم
سقوط فواهر کرد.

دیگر صدای موسیقی،
نی‌زنان و صدای داهارها
و عروس‌ها در تو شنیده
نفاهر شد. [۱]

دیگر هیچ کارگری در تو
پیدا نفاهر شد و هیچ پراخی
در تو روشن نفاهر کردید.

تو با یارویت
همه‌ی ملت‌ها را
فریخته بودی.

فون انبیاء و مقترسینی که
روی زمین کشته شده بودند،
در او پیدا شد. [۲]



همه‌ی
ثروت و جلال تو از
بین رفت و دیگر باز
نفاهر گشت.

در یک ساعت چنین
ثروت عظیمی نابود شد.

ای فادمین فرای ما،
ای ترسنگان او، او را
سپاس گوید، بزرگ و کوچک
او را سپاس گویند!

آمین،
هملویاه!

آمین،
هملویاه!

آمین،
هملویاه!

هملویاه!
برای همیشه از او دور بلند
فواهر شد.

هملویاه، زیرا
فراوند فرای قادر مطلق
سلطنت می‌کند!

او انتقام فون فادمانش
را از او گرفت.

وید و شادی کنیم و او را
جلال دهیم زیرا عروسی بزه فرا رسیده
است، و عروس او خود را حاضر کرده
است.

کتان ظریف پاک و درفشان
به او داده شده است تا بر تن
کند. [۱]

هملویاه! فرا را سپاس گوید! نجات از
یانب فرای ماست. احترام و قدرت تنها
از اوست؛ زیرا داورهای او به حق و راستی
است. فرا، آن فاشه‌ی بزرگ را که با گناهش
زمین را فاسد کرده بود، میازات کرد و انتقام
قتل فادمان خود را گرفت.

[۱] کتان ظریف به نشانه‌ی عادل
شمرده شدن مقدسین می‌باشد.

[۲] کتاب مقدس پرستش فرشتگان را ممنوع
ساخته است. تنها خدا شایسته‌ی پرستش است.



بنویس:
فوشا به حال کسانی که به
منیافت عروسی بزه دعوت
شده اند!



سپس به پای او افتادم تا
او را پرستش کنم.

این کار
را نکن!

من هم مانند
تو و همه‌ی کسانی که درباره‌ی
عیسای مسیح شهادت می‌دهند،
یک فارم هستم.

فدا را پرستش
کن! [۲]





آنگاه دیدم که آسمان گشوده شد و اسبی سفید نمایان گشت. نام سوار او وفادار و راست بود و او با عدالت داوری و جنگ می‌کند. [۱]

پشمان او مانند شعله‌های آتش بود و تاج‌های فراوانی بر سر داشت. نامی بر او نوشته شده بود که هیچ‌کس به جز خود او آن را نمی‌دانست. [۲]

ردایی آغشته به خون بر تن داشت [۳]. نام او «کلمه‌ی فرا» می‌باشد.

لشکریان آسمان به دنبال او که بر اسب سفید نشسته بود و ردایی از کتان سفید بر تن داشت، می‌رفتند. [۴]

شمشیر بزرگ از دهانش بیرون می‌آید تا با آن ملت‌ها را بزنند، او با عصبانی آهنین بر آن‌ها سلطنت فواید کرد. او شراب فشم و غضب فرای قادر مطلق را در پرفشست فواید فشر.

او نامی بر ردا و ران خود داشت که نوشته بود، شاه شاهان و رب و الارباب.

[۱] هنگامی که ژنرال‌های رومی با پیروزی از جنگ بازمی‌گشتند، بر یک اسب سفید جنگی می‌نشستند و با یک صف‌آرایی پیروزمندانه می‌آمدند. عیسی مسیح بار اول سوار بر یک الاغ و با هیچ لشگری آمد ولی بار دوم او پیروزمندانه و سوار بر اسبی سفید بازمی‌گردد.

[۲] هیچ چیز از نظر مسیح دور نمی‌ماند و او با عدالت و راستی داوری می‌کند.

[۳] ردای آغشته به خون نشانه‌ای از نبرد عظیمی است که او بر علیه گناه، شیطان و مرگ جنگیده است. این به خاطر جنگ حار مجدون نیست زیرا که آن هنوز رخ نداده است.

لشگری که به همراه مسیح هستند برای جنگ نمی‌آیند زیرا که مسلح نیستند، بلکه آنان پس از اینکه او بر همه‌ی دشمنانش غلبه کرد، حکومت خواهند کرد.





بیابید، برای
ضیافت بزرگ خدا جمع شوید،
تا از گوشت پادشاهان، فرمانداران،
قدرتمندان، سواران و اسب‌هایشان،
و هر کس دیگر چه برده و چه آزاد چه
کوچک و چه بزرگ بخورید. [۱]



و آن دیو را
به همراه پادشاهان زمین و
سپاهیان‌شان دیدم که جمع شده بودند
تا بر علیه آن سوار بر اسب
و لشکریانش بیفتند.

[۱] خدا پیروزی را اعلام می‌کند حتی
پیش از آنکه نبرد آغاز شود.

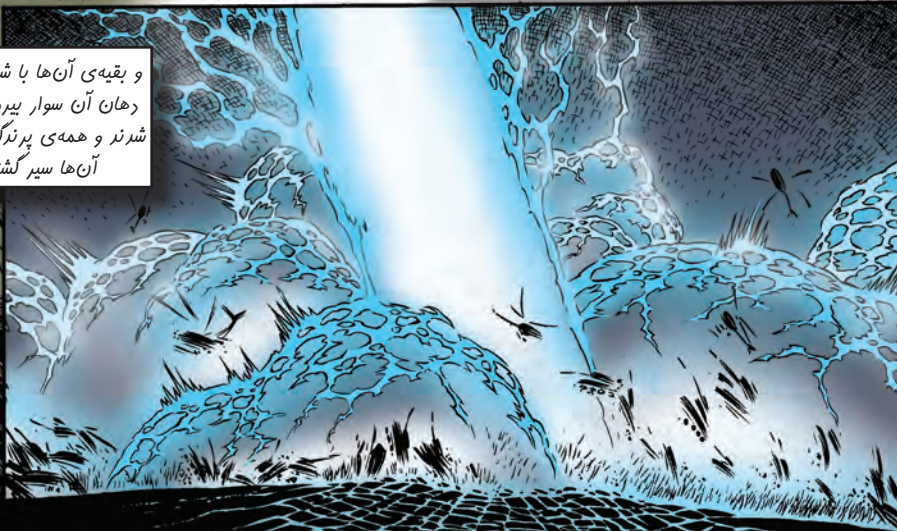
هر دوی آنها زنده به دریاچه‌ی آتش که با
شعله‌های گوناگونی می‌سوزد، انداخته شدند.



اذا آن دیو و نبی دروغین که در حضور او نشانه‌های
معجزه‌آسا انجام داده بود، گرفتار شدند. او آنان را که
نشانه‌ی دیو را قبول کرده و پیکره‌ی وی را پرستش
نموده بودند، فریب داده بود.



و بقیه‌ی آنها با شمشیری که از
دهان آن سوار بیرون آمد کشته
شدند و همه‌ی پرنندگان از گوشت
آنها سیر گشتند. [۱]



سپاهیان دشمن مسیح و باقیمانده گناهکاران جهان مجازات
می‌شوند و این نشانه‌ی انتهای دوران وحشت عظیم است.

آنگاه دیدم که یک فرشته از آسمان پایین آمد و کلید پناه
بی انتها و زنجیری سنگین در دست داشت.



[۱] در طول سلطنت هزار ساله‌ی مسیح بر زمین
شیطان در زندان و در بند خواهد بود.



او اژدهای پیر، دیو و شیطان را
برای هزار سال دستگیر کرده و با
زنجیر بست... [۱]

... و او را به چاه بی انتها انداخت،
سپس در را بست و قفل کرد تا او دیگر
نتواند ملته‌ها را فریب دهد تا زمانی که
آن هزار سال به پایان برسد.

پس از آن او بار دیگر برای
مژت کوتاهی آزاد فواید شد.

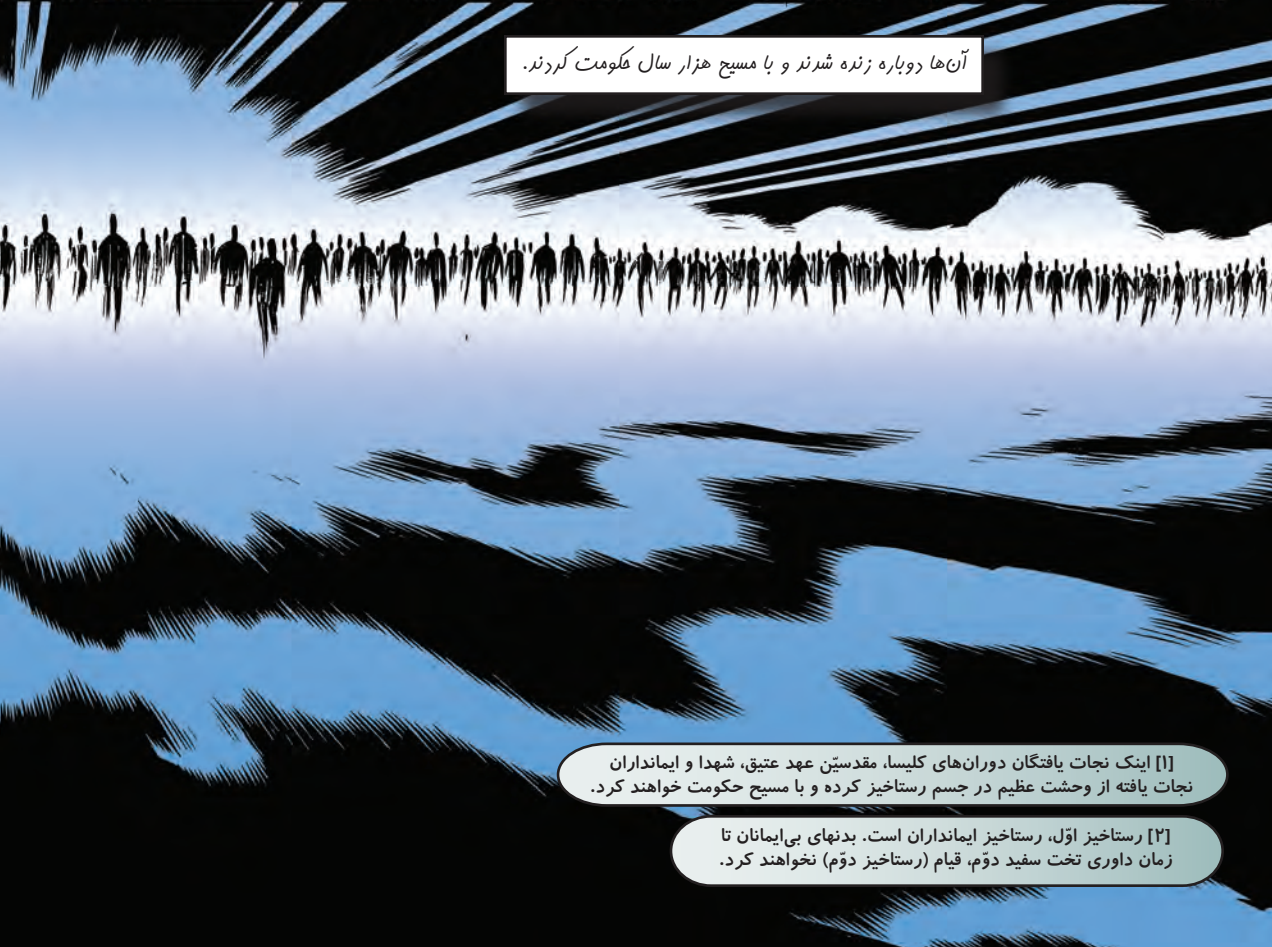
افرادی را دیدم که روی تفت نشسته،
و برای داوری قدرت یافته بودند.

و روح کسانی را دیدم که به خاطر شهادت دادن
درباره‌ی مسیح و کلام خدا، سرهایشان را بریده بودند.

آنها دیو و پیکره‌ی او را پرستش نکرده و همچنین نشانه‌ی
او را بر پیشانی یا دست‌های خود دریاخت نکرده بودند.



آنها دوباره زنده شدند و با مسیح هزار سال حکومت کردند.



[۱] اینک نجات یافتگان دوران‌های کلیسا، مقدسین عهد عتیق، شهدا و ایمانداران
نجات یافته از وحشت عظیم در جسم رستخیز کرده و با مسیح حکومت خواهند کرد.

[۲] رستخیز اول، رستخیز ایمانداران است. بدنهای بی‌ایمانان تا
زمان داوری تخت سفید دوم، قیام (رستخیز دوم) نخواهند کرد.



بقیه مردگان به حیات بازگشتند تا زمانی که آن هزار سال به پایان رسید. این اولین رستافیز است. [۱]

برکت یافته و مقدّس هستند آنانی که در رستافیز اوّل سهیم هستند. [۲]
مرگ دوم هیچ اثری بر آنان نفاذ داشت بلکه آنان کاهنان خدا و مسیح
فواهند بود و با او هزار سال حکومت فواهند کرد.

و زمانی که هزار سال به پایان برسد،
شیطان از زندانش آزاد خواهد شد.



او می‌رود تا یوج و مایوج و ملت‌ها را در چهار گوشه‌ی زمین فریب دهد و
برای جنگ جمع کند. [۱] تعداد آن‌ها به اندازه‌ی ساهل‌های خواهد بود.



[۱] جوج و ماجوج نام‌هایی هستند که به این طغیانگران و رهبران آن‌ها
داده شده است، آنانی که بر علیه مسیح و حکومت او هستند. ماجوج نوه‌ی نوح
پیدایش ۱۰: ۲ و بنیان‌گذار یکی از اولین فرمانروایی‌ها بود. به احتمال زیاد جوج
اسم رهبر این شورش است، کسی که سپاه ماجوج را هدایت می‌کند.

[۲] اورشلیم پایتخت حکومت هزار ساله‌ی
مسیح خواهد بود.

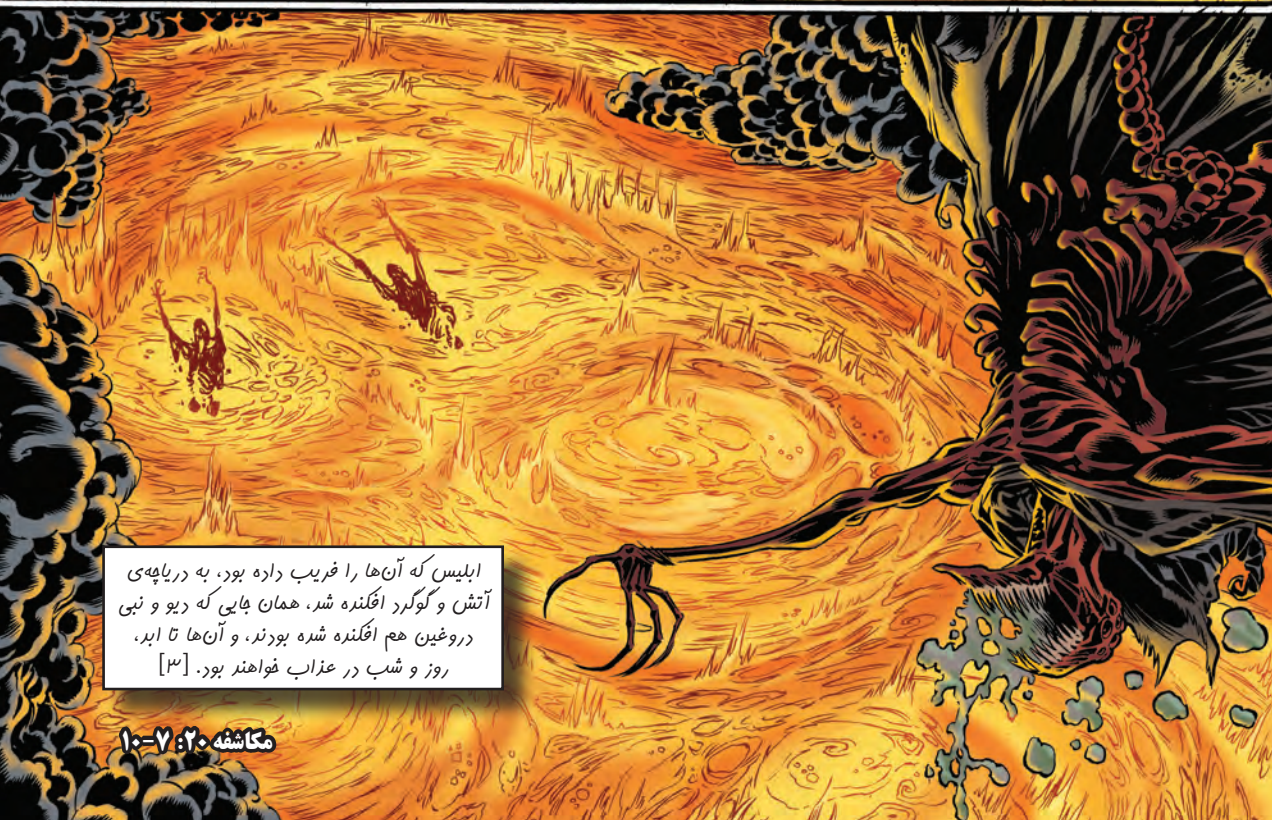
[۳] عذاب بی‌پایان و بدون رهایی جایگاه آخر و دائمی شیطان،
فرشته‌های سقوط کرده و مردان و زنان نجات نیافته خواهد بود.



آن‌ها در پهنه‌ی زمین پشش شدند و اردوی مقتدرین
و شهر محبوب را محاصره کردند. [۲]



ولی آتشی از آسمان پایین آمد و آن‌ها را هلاک کرد.



ابلیس که آن‌ها را فریب داده بود، به دریاهای
آتش و گوگرد افکنده شد، همان جایی که دیو و نبی
دروغین هم افکنده شده بودند، و آن‌ها تا ابد،
روز و شب در عذاب خواهند بود. [۳]

سپس تفت سفید بزرگی را دیدیم که کسی بر روی آن نشسته بود. [۱] زمین و آسمان از همنور او گرفتند، و پای برای آن‌ها یافت نشد. [۲] همچنین مردگان از کوچک تا بزرگ را دیدیم، که در مقابل تفت ایستاده بودند و کتاب‌ها باز شدند.

کتاب دیگری هم باز شد که همان دفتر حیات است [۳]. و مردگان بر اساس اعمالشان که در آن کتاب ثبت شده بود، داوری شدند.

دریا، مرگ و دنیای مردگان، کسانی را که در آن‌ها بودند، تعویل دادند و آن‌ها مطابق کارهایی که انجام داده بودند داوری شدند. [۴]



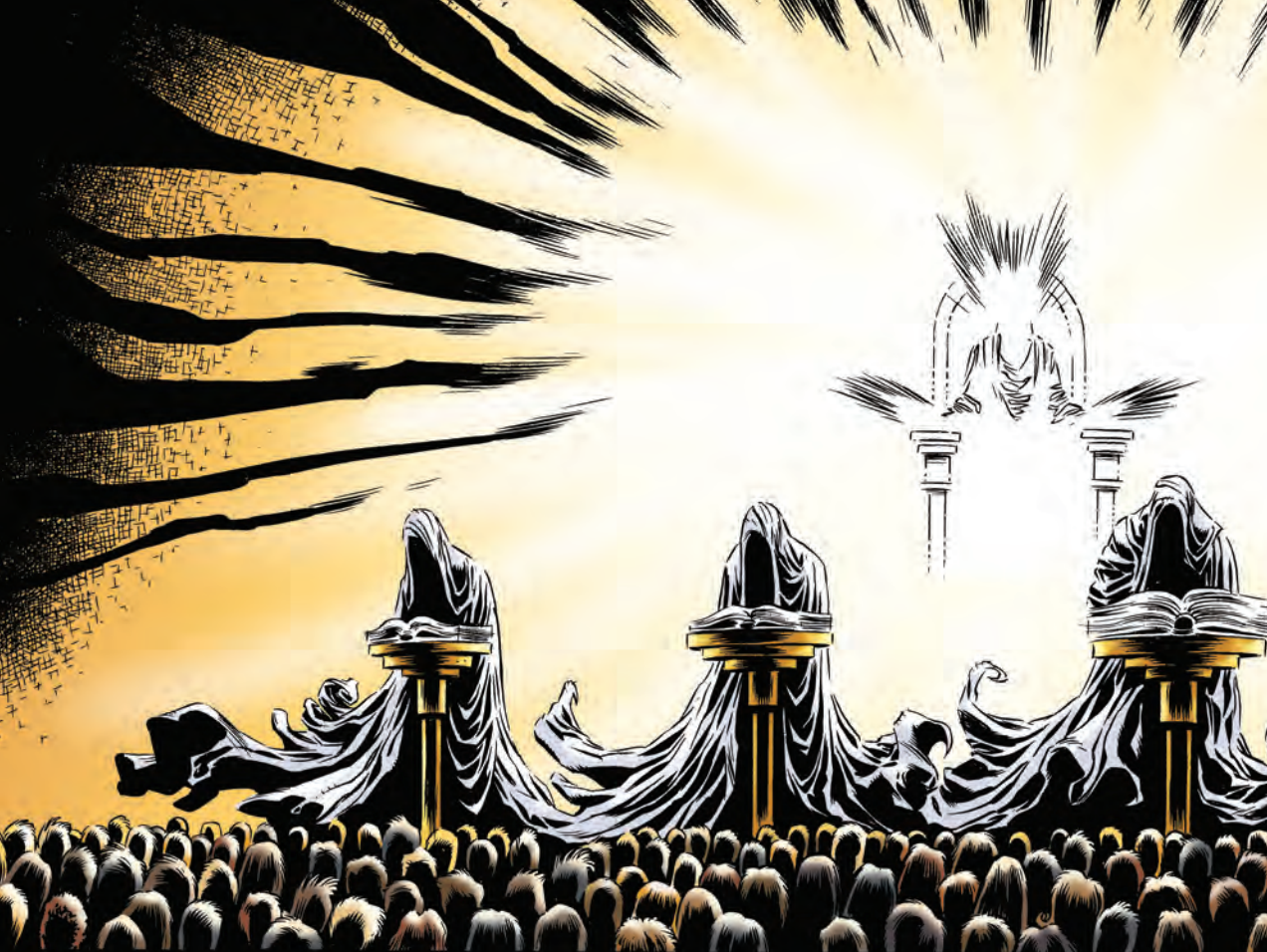
[۱] تخت بزرگ سفید، داوری آخر برای همه‌ی بی‌ایمانان در همه‌ی دوران‌ها خواهد بود.

[۲] یوحنا رسول شاهد نابودی زمین، که توسط گناه آسیب دیده است، این همچنین توسط پطرس رسول نیوت شده است (دوم پطرس ۳: ۱۰-۱۳).

[۳] دفتر حیات گزارشی دارد از همه‌ی کسانی که نجات یافته‌اند.

[۴] همه بر طبق افکار خود (لوقا ۸: ۱۷)، سخن‌های خود (متی ۱۲: ۳۷) و کارهای خود (متی ۲۷: ۱۶) داوری خواهند شد.

هیچ شانس دومی وجود نخواهد داشت. هر تصمیمی که شخص تا زمان مرگش گرفته باشد تا زمان داوری خدا به همراه او خواهد بود. یکی از حقایق تلخی که در کتاب مقدس وجود دارد این است که اگر شخصی بدون ایمان به عیسی مسیح بمیرد، جهنم مقصد او برای ابدیت خواهد بود. همه‌ی گناهکاران در همه‌ی دوران‌ها، هم انسان‌ها و شریران، تا ابد در دریاچه‌ی آتش خواهند بود. درک این حقیقت برای مسیحیان و غیرمسیحیان بسیار دشوار است، ولی ما بنا به حقیقت کلام خدا می‌دانیم که این سرنوشت در انتظار مردمان زیادی است. عیسی فرمود: راهی که به هلاکت منتهی می‌شود وسیع است و کسانی که این راه را می‌پیمایند، بسیارند (متی ۷: ۱۳).



سپس مرگ و دنیای مرگ‌ان به دریای آتش افکنده شدند.
این مرگ دوم است و هر کسی که نامش در دفتر حیات
ثبت نشده بود به دریای آتش انداخته شد. [۵]

پس از اینکه شاهد نابودی آسمان و زمین اول بودم، آسمان و زمین چریدری دیدم، و دیگر دریایی وجود نداشت.

سپس شهر مقتدر، اورشلیم چرید را دیدم. که از طرف فرا از آسمان به پایین می‌آمد. او مانند عروسی که لباسش را پوشیده تا شوهرش را ببیند، حاضر و آماده بود.

صدای بلندی از تفت شنیدم که می‌گفت: «آکنون خانه‌ی فرا در میان آدمیان است! فرا با آنان زندگی خواهد کرد و با قوم خود خواهد بود. خود فرا با آنان بوده و او فدای آن‌ها خواهد بود.

او بر آن است که هر اشکی را از هر چشمی پاک کند. دیگر نه مرگی خواهد بود و نه اندوه و اشک و درد. زیرا چیزهای کهنه در گذشته است.

سپس فرا که بر تفت نشسته است، گفت: «هان همه چیز را تازه می‌کنم!» همچنین به من گفت: «این را بنویس، زیرا این سفنان راست و قابل اعتماد است.»

[۱] پایتخت آسمان.

[۲] کتاب مقدس علاوه بر واژه بی‌ایمان، به شخصیت و سبک زندگی بی‌ایمانان نیز می‌پردازد.

و همچنین برای بی‌ایمانان هم یک مقصد وجود دارد که همان جهنم است. و این برای ابدیت خواهد بود و هیچ شانس دوباره یا راه فراری نخواهد بود.



او همچنین گفت: « تمام شر! من اوّل و آخر هستم، ابتدا و انتها، به همه‌ی کسانی که تشنه‌ی عدالت هستند، به رایگان از پشمه‌ی آب حیات فوادم نوشاند.

اقا ترسویان، فانهن، گمراهان، قاتلان، زناکاران، چادوگران، بت پرستان و دروغگویان به یک پا می‌روند. [۲]

مقصود آن‌ها برای ابدیت دریاهای سوزان از آتش و کوگرد است، این مرگ دوم خواهد بود. [۳]



یکی از هفت
فرشته‌ای که کاسه در دست
داشت، در روح مرا به بالای کوه بلندی
برد. در آنجا در کمال هیبت شهر مقدس،
یعنی اورشلیم را دیدم که از جانب فرا از
آسمان در حال نزول بود.

درفشندگی آن مانند جواهری
گران بها بود. آن شهر با جلال
فرا می‌درخشید.

[۱] همانطور که مرواریدهای زمین با زخمی کردن بدن صدف شکل
می‌گیرند، این دروازه‌های مرواریدی عظیم هم به همین دلیل است که در
ابدیت ایمانداران اهمیت رنج‌های مسیح برای آنان را به یاد داشته باشند.

شهر به
تنهایی و رای توصیف بود.
دیوار بلندی در آنجا بود که دوازده
دروازه داشت و فرشته‌ها در بالای
آنها بودند.

پایه‌های دیوار با سنگ‌های
بارزش تزیین شده بود و بر آن پایه‌ها
نام دوازده رسول بزرگ
شده بود.

فرشته‌ای که
با من سخن می‌گفت عصبانی
از جنس طلا برای اندازه‌گیری در
دست داشت و با آن شهر را
اندازه می‌گرفت.

ضخامت دیوارها ۶ متر
و شهر به شکل مربع
بود.

عرض، طول و ارتفاع
شهر دو هزار دویست و
پنجاه کیلومتر بود.

دوازده دروازه آن متشکل
از دوازده مروارید بودند و
هر دروازه از یک مروارید
ساخته شده بود. [۱]

در طی روز دروازه‌های
آن بسته نخواهد شد،
زیرا دیگر آنجا شب
نخواهد بود.

هیچ شفق ناپاکی نمی‌تواند
داخل شود به چهره‌هایی که
نامشان در دفتر حیات بزرگ ثبت
شده است.

هیچ معبدی در شهر وجود ندارد زیرا فرعون فرای قادر مطلق
و بزه معبد داخل شهر هستند.

نه ماه و نه خورشید نمی تابند زیرا جلال خدا آن را
روشن ساخته و بزه‌ی خدا چراغ آن‌هاست.

همه‌ی مردم جهان در نور آن راه خواهند رفت و پادشاهان
زمین جلال ملت‌ها را به آن‌ها خواهند برد.





دروازه‌ها هرگز بسته نخواهند شد و دیگر شب نخواهد بود.

هیچ ناپاکی یا شفق دروغگو یا کسی که کارهای شرم‌آور
اتیام داده باشد، هرگز وارد آنجا نمی‌شود

آنانی که نامشان در دفتر حیات بزه نوشته شده باشد،
اجازه‌ی ورود به شهر را دارند.



همانطور که
آن فرشته این چیزها را به من
می‌گفت، آب حیات را دیدم که مانند
بلور بوده و از تفت فرا و بزه جاری
بود. [۱]

از میان شهر می‌گذشت و در
هر طرف جاری بود. من در رفت
حیات را دیدم.

این درخت دوازده بار
در سال میوه می‌آورد، و برگ‌های آن
برای شقای آرمیان است.

لعنت گناه در آن شهر
نفوادر بود.

خارمان او فرا و بزه را نزد
تفتش پرستش فوادر کرد.

نام او بر پیشانی‌های
آن‌ها نوشته فوادر شد و
آن‌ها چهره‌ی واقعی فرا را
فوادر دید. [۲]

دیگر شبی نفوادر بود و
نیاز به چراغ و تابش خورشید
نفوادر بود بلکه فرا نور آن‌ها
فوادر بود.

و آن‌ها به عنوان
پادشاهان برای همیشه
کومت فوادر کرد.



[۱] از آنجایی که هیچ جریان هیدرولوژیکی در زمین جدید وجود ندارد، آب حیات به طور مداوم از تخت خدا جاری خواهد بود.

[۲] در زمین قبلی هیچ انسانی نمی‌توانست روی خدا را ببیند و زنده بماند (خروج ۳۳: ۲۰-۲۳). اما اینک ایمانداران با بدن‌های جلال یافته می‌توانند به خدا بنگرند، زیرا که مقدس گردیده‌اند.



نبوت‌های این کتاب
را پنهان نکن، زیرا که
زمان وقوع آن‌ها نزدیک
است. [۱]

بگذار که فطاکار به
اشتباه خود و فاسد به
شرارت خود ادامه دهد.
[۲]

بگذار نیکوکار به
نیکویی و عادل به
عدالت ادامه دهد.
[۳]

نه، نباید
چنین کاری بکنی! من هم
مانند تو و برادرانت و انبیاء
و هر کسی که به کلمات این
کلام توجه می‌کند، یک فادم
هستم.

فدا را بپرست.

[۱] نبوت‌های قبلی پنهان گشته بودند
ولی این یکی باید اعلان شود تا آدمیان را
به اطاعت و پرستش مشتاق گرداند.

[۲] کسانی که در اینجا هشدار خدا را
نادیده بگیرند، مقصد ابدی خود را به جهنم
تعیین می‌کنند.

کسانی که به این هشدار پاسخ مثبت می‌دهند،
ابدیت خود را در جلال استوار می‌سازند.



این سفتانی که به تو
گفته شد راست و قابل
اطمینان هستند.

فداوند، فدایی که
به انبیاء روح نبوت پخشیده،
فرشته‌اش را فرستاده تا آنچه را که به
زودی اتفاق خواهد افتاد را به فادمش
نشان دهد.



بدانید

که به زودی خواهم آمد.
خوشا به حال کسانی که به
نبوت‌هایی که در این کتاب
نوشته شده توجه می‌کنند.

پس از آن بلوی پای آن فرشته که این‌ها را به
من نشان داد، افتادم و شروع به پرستش کردم.

بدانید که
من نیروی می‌آیم!

من پاداشم را به همراه خود
می‌آورم تا به هرکس مطابق آنچه
انجام داده پاداش بدهم.

من ابتدا و انتها
هستم، اول و آخر.

خوشا
به حال کسانی که ردای خود
را می‌شویند. آن‌ها اجازه دارند
که از درخت حیات بخورند و از
دروازه‌های شهر وارد شوند.

اما در خارج از شهر سگان،
جادوگران، هرزه‌گران، قاتلان،
بت‌پرستان و دروغگویان هستند.

من، عیسی، فرشته‌ی خود
را فرستادم تا از این چیزها برای
کلیساهای شهادت دهد. من از ریشه
و نسل داوود و ستاره‌ی درخشان
صبح هستم.

روح و عروس می‌گویند: «یاا»
هر که می‌شنود بگوید: «یاا».

و هر که تشنه است بگوید.

و هر که طالب آب حیات است، به رایگان بردارد.

من به تمام
کسانی که کلمات این نبوت
را می‌شنوند افطار جزی می‌دهم که
اگر کسی چیزی به آن بیفزاید، بلایایی
را که در این کتاب ذکر شده بر
سرش فواید آمد.

و اگر کسی چیزی از آن بکاهد،
فدا سهم او را از درخت حیات در
شهر مقزس می‌گیرد، همانی که در این
کتاب درباره‌اش گفته شده است.

آری من به
زودی می‌آیم.

آمین، بیا
فداوند عیسی.

فیض فداوند عیسی با
قوم فدا باد.
آمین.